

اوراسیاگرایی روسیه، بنیادها، اندیشه و نتایج و تأثیر آن بر رابطه روسیه و ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵

معصومه زارعی هدک*

ارسلان قربانی شیخ نشین**

غلامرضا کریمی***

چکیده

اوراسیاگرایی نوعی تفکر در سیاست خارجی روسیه است که اصلی‌ترین تز آن موضع مخالف در برابر غرب‌گرایی روسیه است. این نظریه در برگیرنده جزئی از ابعاد هویت ملی روسیه است. اوراسیاگرایان بر این باورند که مسئله اصلی فراروی ملیت روس، اروپایی بودن آن است که هویت روسیه رنگ غربی پیدا کرده بود. از دیدگاه این نظریه، روسیه در تعقیب یک مسیر جایگزین است که یک قطب مستقل در نظام بین‌المللی شود. از این جهت در جهان اسلام جمهوری اسلامی ایران را انتخاب می‌کند و ایران را یکی از نیروهای مخالف جهان تک قطبی

*. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول: masumezareie@yahoo.com).

** استاد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران.

*** استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۰۹
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیستم، صص ۶۴ - ۳۹.

ایالات متحده آمریکا معرفی می‌نماید و از آن می‌خواهد که حوزه کشورهای اسلامی را رهبری کند. از این جهت، ایران نزدیکترین شریک مسکو است. در این راستا، سوال اصلی پژوهش این است که اوراسیاگرایی روسیه چه تأثیری بر رابطه جمهوری اسلامی ایران و روسیه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ داشته است. فرضیه پژوهش این است که اوراسیاگرایی با فراز و فرود در سه حوزه نظامی-امنیتی، سیاسی و اقتصادی موجب نزدیکی بیشتر روابط ایران و روسیه در این سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ شده است. چارچوب تئوریک مورد استفاده در این پژوهش مکتب تحلیل گفتمان در سیاست خارجی می‌باشد.

کلمات کلیدی: سیاست خارجی- سیاست خارجی روسیه- اوراسیا- اوراسیاگرایی-

رابطه ایران و روسیه

اوراسیاگرایی الگوی منحصر به فردی از سیاست خارجی است که اصلی‌ترین ویژگی آن مخالفت با غرب‌گرایی در روسیه است. دوگین، نظریه پرداز اصلی تئوری اوراسیاگرایی، جایگاه مهمی را برای ایران قائل است. او ایران را یکی از متحدان روسیه در جنگ علیه جهان تک قطبی می‌داند. وی درباره نقش ایران در تئوری خود می‌گوید: «از نقطه نظر جهان چندقطبی، در تئوری اوراسیاگرایی، ایران دارای نقش کلیدی می‌باشد. ایران، یک تمدن خاص، یک کشور قدرتمند و مستقل است که باید محترم شمرده شود. ما نباید یک همگرایی مشترک با ایران را فرض کنیم، ایران در حوزه همگرایی اوراسیاگرایی نیست بلکه ایران شریک روسیه در جهان چندقطبی است». به این ترتیب، جایگاه ایران در الگوی اوراسیاگرایی چند قطبی مرکزی است و در این الگو یا مدل، تهران نزدیکترین شریک مسکو است. در عین حال، شراکت با ترکیه، چین و هند نیز پیش بینی شده است. بنابراین، اوراسیا نیز می‌تواند با تمدن‌های دیگر مانند اسلام هم زیستی داشته باشد و در اشکال مختلف تولید نظیر فئودالیسم، سرمایه داری و سوسیالیسم بروز یابد. در این راستا، سوال اصلی پژوهش این است که اوراسیاگرایی روسیه چه تأثیری بر رابطه جمهوری اسلامی ایران و روسیه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ داشته است. فرضیه پژوهش این است که اوراسیاگرایی با فراز و فرود در سه حوزه نظامی-امنیتی، سیاسی و اقتصادی موجب نزدیکی بیشتر روابط ایران و روسیه طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ شده است. چارچوب نظری مکتب تحلیل گفتمان در سیاست خارجی می‌باشد.

۱- چارچوب نظری

سیاست خارجی محصول نتیجه تصمیمات دولتمردان است و شامل تنظیم و اجرای آن تصمیمات در محیط خارجی می‌باشد و راهنمایی است برای اقداماتی که یک دولت در

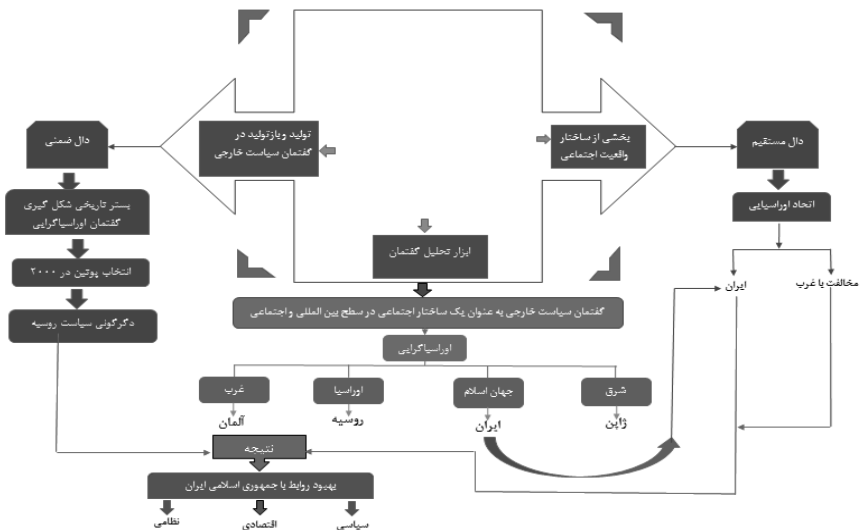
ورای مرزهای خویش جهت پیشبرد هدفها در رابطه بازیگران حکومتی و غیرحکومتی به عمل می‌آورد (قوام، ۱۳۸۴: ص ۶). برای تحلیل سیاست خارجی کشورها از دو منظر نظری می‌توان به این موضوع توجه کرد. اول در چارچوب نظریه های کلان روابط بین الملل مثل واقع گرایی، نهادگرایی و سازه انگاری و ... و دوم در چارچوب مکتب تحلیل سیاست خارجی. نگارنده برای بررسی موضوع مورد مطالعه عمدتاً از مکتب تحلیل سیاست خارجی استفاده خواهد کرد. نظریه پردازان مکتب تحلیل سیاست خارجی خود شامل سه نسل متحول و نسبتاً متفاوت هستند و از نظریه های مقایسه‌ای و اثباتی به نظریه های میان برد و سپس به نظریه های معطوف به در نظر گرفتن عوامل اندیشه‌ای و فکری تحول یافته‌اند. در نسل آخر که تلفیقی از نظریه های آن مکتب و نظریه های پسامدرن و نیز سازه انگاری است به ویژه بر روش تحلیل گفتمان به عنوان یکی از ابزارهای مهم برای بررسی و تبیین سیاست خارجی کشورهای مختلف تاکید شده است (Loisel, 2005).

سیاست خارجی بیش از هر عنصری از گفتمانهای حاکم بر یک جامعه در یک دوره خاص تأثیر می‌پذیرد و برای درک عمیق و موثر رفتارهای یک دولت، بایستی به مطالعه این گفتمانها و الزامات آن برای سیاست خارجی بپردازیم. از این نگاه، در هر دوران، شکل خاصی از قالب‌های گفتمانی ظهور می‌یابد که تأثیر خود را بر رفتار سیاست خارجی و داخلی به جا می‌گذارد. از نگاه نظریه‌پردازان تحلیل گفتمانی، هیچ واقعیت اجتماعی و بین‌المللی وجود ندارد و هر چه هست به وسیله زبان و مفاهیم ما ساخته شده‌است، جهان اجتماع و انسان ذاتاً بی‌شکل و بی‌معنا بوده و به وسیله گفتمانهای مسلط در هر دوره‌ای معنا و شکل خاص می‌گیرد. از این نگاه، هیچ واقعیت غیرگفتمانی و ماقبل گفتمانی وجود ندارد و واقعیت در قالب مقوله‌های گفتمانی درک می‌شود و گفتمان است که به واقعیت معنا می‌دهد. گفتمان سیاسی موجود در هر جامعه‌ای در مورد سیاست خارجی، — به عنوان ساختاری که سیاست خارجی کشور در درون آن قرار می‌گیرد — شکل‌گیری رفتارهای خارجی را محدود می‌سازد. در یک دوره ممکن است گفتمانهای مختلفی وجود داشته باشد اما یکی از آنها به عنوان گفتمان مسلط، سیاست خارجی را شکل می‌دهد. رویکرد تحلیل گفتمان با تفسیر جهان و ایجاد یک فهم گسترده‌تر و مشروح‌تر راجع به فرآیند سیاسی، امکان می‌دهد تا از ساختارهای مادی فراتر رویم. براساس این نظریه، جهان اجتماع و انسان، جهانی ذاتاً بی‌شکل و بی‌معناست و به وسیله گفتمانهای مسلط

در هر عصری معنا و شکلی خاص می‌گیرد و محدود و منحصر می‌شود. به بیان دیگر، اجتماع و انسان بطور بالقوه قابل ظهور در اشکال گوناگونی است و گفتمان مسلط در هر دوره، به تحقق و ظهور متعین یکی از آن اشکال می‌انجامد. لذا، گفتمان سیاسی یکی از منابع سیاست خارجی است که نقش ویژه‌ای در کنار منابع ساختاری دیگر نظیر ساختار اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند (Larsen, 2005).

روش تحلیل گفتمان، با بررسی عناصر و مفاهیم اساسی در یک ایدئولوژی، نگرش و تعیین جایگاه آنها در درون یک چارچوب منسجم به عنوان یک گفتمان مسلط در یک دوره خاص می‌کوشد تا شکل‌گیری مفاهیمی مانند متحد، دوست، همکار، رقیب و دشمن را تبیین نموده و بدین ترتیب سیاست خارجی یک کشور را از شکل‌گیری مفاهیم و اندیشه‌ها تا تعریف از منافع ملی و تبیین رفتارهای خاص توضیح دهد. این موضوعی است که برای فهم و تفسیر گفتمان اوراسیاگرای روسیه و نگاه آن به روابط با سایر دولت‌ها و از جمله ایران بسیار مهم است و قدرت تفسیری و تحلیلی موثری دارد (Chernysh, 2010). لذا، در این پژوهش از نظریه‌های مکتب تحلیل سیاست خارجی و به ویژه آخرین نسل این اندیشه در چارچوب روش تحلیل گفتمان بهره خواهیم گرفت.

شکل (۱): مکتب تحلیل گفتمان در سیاست خارجی



۲- سوابق و پیشینه پژوهش

در جستجو در سایت های مختلف اینترنتی، اسناد و مدارک علمی ایران و مراجعه حضوری به کتابخانه ها و مراکز نگهداری پایان نامه های دانشگاه تهران، سابقه ای در خصوص تأثیرگذاری اوراسیاگرایی روسیه بر جمهوری اسلامی ایران مشاهده نشد. بنابراین، در مقاله حاضر، سعی خواهد شد که با در نظر گرفتن نقاط قوت و تکمیل نقاط قوت وضعف چنین آثار علمی و نیز با بهره گیری از نظریات علمی روابط بین الملل، مسئله مورد بحث، مورد ارزیابی قرار گرفته و با شیوه ای علمی بررسی شود.

به هر حال، در اینجا به برخی از آثاری که در ارتباط با اوراسیاست، اشاره می شود:

لاروئل با ترجمه سید زاده و دهقانان (۱۳۸۸) در کتابی تحت عنوان "اوراسیاگرایی روسی (ایدئولوژی امپراتوری)"، کتاب حاضر از دید اندیشمندان مهم و سرشناسی نظیر لوگو میلوف، الکساندر پانارین و الکساندر دوگین به بررسی منطق درونی این مکتب، اهداف و شیوه های آن می پردازد.

پوربافرانی (۱۳۹۳) در پایان نامه خود با عنوان "اوراسیاگرایی روسی و همگرایی در منطقه اوراسیای مرکزی" بیان می کند که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات مهمی در نقشه ژئوپلیتیک جهان را باعث شد. از جمله این تغییرات شکل گیری منطقه اوراسیای مرکزی است که قبل از آن در حوزه شوروی قرار داشت. پس از فروپاشی شوروی یکی از مباحثی اصلی، ضرورت همگرایی منطقه ای بوده است.

طالبی (۱۳۹۳) در پایان نامه خود با عنوان "نقش اوراسیاگرایی در سیاست خارجی روسیه" فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نقطه عطفی برای تغییر ماهیت نظام بین الملل از دو قطبی به تک قطبی و همچنین تلاش کشور روسیه برای بدست آوردن ثبات و امنیت بود. روش جمع آوری اطلاعات این رساله، کتابخانه ای و یافته های تحقیق عمدتاً به شیوه ای توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

اینگرام (۲۰۰۱) در مقاله خود با عنوان "الکساندر دوگین: جغرافیای سیاسی و نوفاشیسم پس از فروپاشی شوروی در روسیه"^۱ هدف این مقاله بررسی ژئوپلیتیک انتقادی از طریق بحث در مورد کار جناح راست جغرافیای سیاسی رادیکال روسی الکساندر دوگین است.

1. Alexander Dugin: geopolitics and neo-fascism in post-Soviet Russia

تسی گانکف (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان "تسلط فضا در اوراسیا: تفکر ژئوپلیتیکی روسیه بعد از فروپاشی شوروی"^۱ این مقاله فرض اهمیت تخیل فضایی در شکل دادن مرزهای سیاسی و فرهنگی پس از فروپاشی شوروی و بررسی استدلال جغرافیای سیاسی نوظهور در روسیه است.

اسلوویوف (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان، "جغرافیای سیاسی در روسیه - علم یا حرفه؟" مؤلف توسعه مطالعات ژئوپلیتیک را در روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی توصیف می‌کند، او مشخص می‌کند که دومکتب عمده از تجزیه و تحلیل ژئوپلیتیک، سنت و تجدید نظر طلبی، سنت و نظرات ژئوپلیتیکی بوسیله اروپای قدیم گسترش می‌یابد. تیتوی (۲۰۰۵) در پایان نامه خود با عنوان "الف گومیلف، تکوین قومیتها و اوراسیاگرایی"^۲ در این پایان نامه به بررسی دو موضوع مهم و محوری در اندیشه گومیلف: قوم شناسی و اوراسیاگرایی می‌پردازد. یک تمایز مهم بین اوراسیاگرایی و نظریه قوم گرایی وجود دارد. گومیلف در کارهایش در مورد تاریخ روسیه جنبه های مختلف اوراسیا گرایی را توسعه داد.

اشلاپنتوخ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان "دوگین، اوراسیا گرایی و آسیای مرکزی" بررسی می‌کند که اوراسیاگرایی به عنوان یک مفهوم درسال ۱۹۲۰ ظهور یافته است. با این پیش فرض که روسیه یک ترکیب قومی منحصر به فرد در درجه اول از اسلاوها و مردم ترک است.

اشلاپنتوخ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "اسلام و ارتدوکس روسیه: از اوراسیاگرایی به اسلام گرایی"^۳ رشد و افزایش فعالیتهای سیاسی مسلمانان روسیه با پیشینه های قومی متنوع مدلهای سیاسی متنوع برای روابطش با روسیه فراهم می‌آورد.

مرزوا (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان "ژئوپلیتیک، اوراسیاگرایی و سیاست خارجی روسیه تحت نظر پوتین"^۴ بررسی می‌کند که اگر چه جغرافیای سیاسی و اوراسیاگرایی به گفتمانی برجسته در گفتمان سیاست خارجی روسیه پس از فروپاشی شوروی تبدیل شده است،

1. Mastering space in Eurasia: Russia's geopolitical thinking after the Soviet break-up
2. Geopolitics in Russia—science or vocation?
3. Lev Gumilev, Ethnogenesis and Eurasianism
4. . Dugin, Eurasianism, and Central Asia
5. . Islam and Orthodox Russia: From Eurasianism to Islamism
6. . Geopolitics, Eurasianism and Russian Foreign Policy Under Putin

طرفداران این دیدگاه معتقدند که اوراسیاگرایی در زمان پوتین برای بازگرداندن اقتدار روسیه و افزایش جایگاه این کشور در سیاست خارجی تبدیل شده است.

هنری (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان "سیاست اوراسیایی به عنوان رژیم‌های ترکیبی: مورد روسیه پوتین"^۱ بیشتر سیستم‌های سیاسی کشورهای اروپایی و آسیایی با این عنوان که دمکراسی یا اقتدارگرا هستند، توصیف نمی‌شوند. نه آن علوم اجتماعی را برای مطالعه سیستم‌های سیاسی کشورها به عنوان یک مورد منحصر به فرد توسعه می‌دهد، به اشتراک گذاری قابل توجه مشترکات با کسانی از کشورهای دیگر است.

گلیسون (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان "اوراسیا: چه هست آن؟"^۲ نویسنده معتقد است که عبارت اوراسیا تنها راه نزدیک از اشاره به آنچه قلمرو شوروی بوده است. تلاش‌های اخیر برای اعطاء تمدنی بزرگ دیده شده است. اما این تلاشها از اسطوره سازی روسیه نشأت گرفته اند.

تسی گانکف (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان "قلب زمین نه بیشتر: ضعف روسیه و بحران اوراسیا"^۳ موضوع مقاله این است که منطقه اوراسیا به سمت متلاشی شدن حرکت می‌کند، نه روسیه و نه غرب قادر به ممانعت از بی ثباتی در منطقه هستند.

مصطفی (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان "مفهوم اوراسیا: سیاست اوراسیاگرایی قزاقستان"^۴ هدف این مقاله، مطالعه و بررسی پیدایش مکتب اوراسیاگرایی و منطقه آن است. همچنین بررسی و تجزیه و تحلیل دیدگاه نظریات و چگونگی بازتاب آن در داخل کشور است.

پاپوا (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان "اوراسیاگرایی روسیه، غرب ستیزی و مفهوم آسیای مرکزی و قفقاز"^۵ از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سوال این است که جغرافیا پس از فروپاشی شوروی چگونه تفسیر مجدد شود. وی این رویکرد اوراسیاگرایی را به عنوان یک توجیه نظری از روسیه معاصر علیه غربگرایی مورد استفاده قرار می‌دهد.

ریخانا (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان "ایده اوراسیاگرایی مدرن به عنوان اساس همگرایی

1. Eurasian politics as hybrid regimes: The case of Putin's Russia
2. Eurasia: What is it? Is it?
3. The heartland no more: Russia's weakness and Eurasia's meltdown
4. The concept of 'Eurasia': Kazakhstan's Eurasian policy and its implications
5. The Eurasianism of Russian Anti-Westernism and the Concept of "Central Casaso-Asia"

نویسنه " این مقاله نقش ایده های اوراسیا را از زمان ریاست جمهوری نظربایف در توسعه فرایندهای همگرایی قاره اوراسیا بررسی می کند.

ارسن (۲۰۱۴) در مقاله ای با عنوان " افزایش مرکزیت گرایی قدرت در اوراسیا: تقاضا برای سیاست خارجی ترکیه" ^۲ بررسی می کند که ظهور مراکز جدید قدرت در اوراسیا مستلزم خواندن دوباره کتاب زبینگو برژینسکی می باشد که یک مقایسه بین ابرقاره اوراسیا و صفحه شطرنج بزرگ است.

در این تحقیق آنچه مد نظر ماست، تأثیر اوراسیاگرایی روسیه بر جمهوری اسلامی ایران است که در نوع خود، کار جدیدی در ادبیات روابط بین الملل ایران محسوب می شود و تاکنون در هیچ مقاله و کتابی به بررسی این موضوع پرداخته نشده است.

۳- اوراسیاگرایی و تأثیر آن بر رابطه ایران و روسیه در حوزه مسایل سیاسی ۴-۱- حوزه دریای خزر

اوراسیاگرایی دارای تأثیرات مثبت و منفی در زمینه حوزه دریای خزر بوده که در ذیل توضیحات مورد بررسی است و ما در این زمینه شاهد چالش بیشتر تا تأثیرات مثبت می باشیم. اگر بخواهیم تأثیرات مثبت را مورد توجه قرار دهیم، می توان گفت: در این حوزه، دریای خزر به عنوان نقطه راهبردی، اقتصادی و تجاری، دارای جایگاه و نقش نقش مهمی در روابط ایران و روسیه است. در واقع، منافع مشترک در این منطقه، اهمیت آن را مضاعف ساخته است. روسیه خود را طلایه دار نقش صلح در منطقه خزر می بیند و ایران را شریک تجاری خود می داند. مشارکت و روابط نزدیک ایران و روسیه در زمینه حمل و نقل، می تواند به پیوند کشورهای حوزه اقیانوس هند به شمال کمک کند. راه اندازی و همچنین گسترش تأسیسات بندری از جمله بنادر ایرانی در دریای خزر، از دیگر راههای گسترش همکاری در جهت منافع دو طرف است. (مامدوا، ۱۳۸۷: ص ۱۰۳).

در عین حال، در این حوزه ما بیشتر شاهد اختلافات ایران و روسیه هستیم که متأسفانه در سالهای اخیر مواضع روسیه در مورد دریای خزر به نفع ایران نبوده است. البته در آغاز دوره پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران و روسیه یک توافق مشترک

داشتند و بر این باور بودند که نوعی نظام مشاع باید بر این دریا حاکم باشد. در این تقسیم ، سهم ایران خط موسوم به خط مرزی آستارا - حسینقلی در نظر گرفته شد. روس‌ها دقیقاً خط مشی دسته‌جمعی که لازمه آبهای مشترک است را نادیده انگاشته و بر پایه قراردادهای دو جانبه با کشورهای منطقه، ایران را در یک وضعیت نامطلوب قرار دادند. ایران برای رفع این معضل، پیشنهاد تقسیم مساوی دریا میان پنج کشور را مطرح کرد که البته از این طرح استقبالی بعمل نیامد. ایران بعداً اعلام کرد که اجازه نخواهد داد در آبهای مجاور تا ۲۰ درصد، فعالیتی از سوی دیگران صورت گیرد. مثلاً کشتی کمپانی بریتیش پترولیم مشغول اکتشاف بود که ایران آن‌ها را مجبور کرد تا دریای سرزمینی ایران را ترک کنند. (سنایی، ۱۳۸۷: ص ۱۷)

اما مشکل دیگر به تقسیم منافع در دریای خزر معطوف است، ایران خواهان این بود که دریای خزر منطقه غیرنظامی و یک پل ارتباطی سازنده باشد در حالی که روس‌ها تمام نگرانی‌شان بحث نظامی است و عملاً بخشی از ناوگان خودشان را از دریای سیاه به دریای خزر منتقل کرده‌اند. روس‌ها دارای سی پایگاه در کشورهای آسیای مرکزی می‌باشند. این پایگاه‌ها مدت‌دار و سیاسی است. روس‌ها برای اینکه پایگاه ثابت بدون دردسر داشته باشند؛ به همین دلیل تلاش کردند پایگاه نظامی ثابت را در خزر مستقر کنند و از این طریق، ایران را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند.

با وجود اینکه در سال‌های اخیر روسیه تلاش می‌کند به ایران نزدیک‌تر شود ولی این نزدیکی دال بر این نیست که حقوق ایران را رعایت می‌کند. روس‌ها بیشتر در جهت منافع امنیتی و سیاسی مدنظر خودشان گام بر می‌دارند و از ایران می‌خواهند مانع حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای به اشکال مختلف در این منطقه شود؛ بنابراین، اجلاس‌های متعدد در رابطه با خزر تاکنون نتوانسته است به تفاهمی ختم شود. نکته‌ای که در شرایط کنونی به نفع ایران تمام شده این است که با توجه به اینکه غرب خواهان رفع نیازمندی‌هایش در حوزه انرژی به غیر از روسیه است؛ ایران با توجه به اینکه دومین منبع گازی جهان را دارا می‌باشد، می‌تواند از این فرصت استفاده کرده و وارد خط لوله ناباکو شود و هم اینکه خط مشی مستقلی در مورد دریای خزر اتخاذ کند. ولی به دلیل رابطه ویژه‌ای که ایران با روسیه دارد، حتی استفاده از این فرصت نیز بعید به نظر می‌رسد.

بنابراین، در بحث اوراسیاگرایی روسیه و تأثیر آن بر حوزه خزر، ایران

بازیگری ژئوپلیتیک تا بازیگری راهبردی است. از این جهت، قدرت ایفای نقش بیشتر در اختیار روسیه تا ایران است.

۴-۲- بحران سوریه

ما در این حوزه بیشتر اجماع و تأثیرات مثبت را می‌بینیم با وجود این که انگیزه‌ها و اهداف نهایی ایران و روسیه در سوریه با هم متفاوت است ولی اولویت‌های فعلی آن‌ها یکسان است. مسکو و تهران به حفظ ساختار حکومتی کشور سوریه علاقه مند هستند. اگرچه هر کدام از این کشورها برای حفظ دولت سوریه دارای دلایل مخصوص به خود می‌باشند ولی این وظیفه مشترک مطابق با همکاری ایران و روسیه است. روسیه با توجه به نگرانی‌های امنیتی، به شدت معتقد است که ایجاد یک سوریه ماقبل نزاع، تنها از طریق تکامل نظام حکومتی قبلی و نه از طریق نابودی آن ایجاد خواهد شد. (Lucas, 2015)

تقابل بین غرب و طرح‌های پوتین برای تبدیل مجدد روسیه به عنوان یک قدرت بانفوذ جهانی، عامل مهم دیگری بود که باعث شد تا روسیه از مقامات سوری در مناقشاتشان حمایت کند. همچنان که عملیات نظامی در سوریه ثابت کرد که روابط نظامی - نظامی، درجه خوبی از همکاری را عملی می‌سازد. همکاری نظامی (به خصوص تحویل سامانه‌های اس-۳۰۰ و آزمایش سخت افزاری سوریه) در حال افزایش است و برغم مواجه بودن با مشکلات مالی، احتمالاً افزایش هم خواهد یافت. همکاری اقتصادی به خصوص در زمینه محصولات کشاورزی در حال افزایش است. البته با توجه به این که بانک‌های ایرانی و روسی هنوز هم همکاری مطلوبی ندارند، مباحثی هم در خصوص جریان سرمایه وجود دارد. ایران به رویارویی بلند مدت بین روسیه و غرب علاقه ندارد. علاوه بر این، تمایل دارد تا بعد از توافق هسته‌ای، از نظر اقتصادی از تعامل با غرب سود ببرد ولی نزدیکی‌اش به روسیه، بعضی از فرصت‌هایش در ارتباط با غرب برای رسیدن به این هدف را از بین می‌برد (Soltaninejad, 2015).

با وجود این که همکاری ایران و روسیه دارای پویایی مثبت بلند مدتی است ولی عواملی وجود دارد که مانع رسیدن این رابطه به سطح اتحاد راهبردی سیاسی و نظامی کامل می‌شود. البته عواملی وجود دارد که همکاری ایران و روسیه در سوریه را به صورت اساسی محدود می‌کند؛ اولاً، ایران و روسیه هیچ‌کدام علاقه مند به ایجاد یک اتحاد کامل

نیستند. مسکو تمایلی ندارد تا بخشی از اردوگاه طرفدار شیعه‌ای باشد که در برابر ائتلاف سنی به رهبری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس قرار دارد. ثانیاً مسکو به اسرائیل تضمین داده است که فعالیت‌های روسیه در سوریه هیچ تهدیدی برای اسرائیل نخواهد داشت. البته این موضوع بر خلاف منافع ایران است زیرا ایران تلاش می‌کند تا حضورش را در جنوب سوریه افزایش دهد و از این طریق دسترسی بهتری به حزب الله و مرزهای اسرائیل داشته باشد. (Dutkiewicz, 2016: p 23)

با این وجود، روسیه و ایران می‌دانند که برای حفظ منافعشان در سوریه باید با هم همکاری کنند. در نتیجه، مسکو و تهران ارتباطی را ایجاد کردند که هر کشوری در آن تلاش می‌کند تا از طریق کارهای مشترک به اهداف خود برسد. چنین رویکردی مستلزم این است که طرفهای همکاری نه تنها فعالیت‌های خودشان را هماهنگ کنند بلکه باید تلاش کنند تا از تقابل غیر ضروری بر سر امور دارای درجه اهمیت دوم جلوگیری کنند. آنها با به تعویق انداختن هر گونه مباحثه‌ای در مورد مسائل مورد اختلاف که مانع از دستیابی هر کدام از طرفین به اهداف اولیه شان می‌شود، با یکدیگر سازش می‌کنند. پس می‌توان اوراسیاگرایی را دارای تأثیرات مثبت در این حوزه دانست.

۵- اوراسیاگرایی و تأثیر آن بر رابطه ایران و روسیه در مسائل نظامی-امنیتی

۵-۱- همکاری های دفاعی روسیه-ایران

اوراسیاگرایی در این زمینه تأثیرش مثبت بوده و موجبات نزدیکی رابطه ایران و روسیه را فراهم آورده است. ایران سومین خریدار بزرگ از روسیه است. اگر چه طی سالها ایالات متحده از طریق مجاری دیپلماتیک تحریمهایی علیه بازیگرانی که در برنامه موشکی و هسته‌ای ایران همکاری می‌کنند اعمال و بر روسیه فشار وارد آورده است و روسیه نیز معاهده‌ای امضا کرده است که فروش نظامی به ایران را محدود کند با این حال، در اکثر موارد، تأثیر آن بر شرکتهای هدف جزئی بوده است. چنانکه نمایندگان صنعت ابراز داشته اند «ما سیستم های خود را با آگاهی به ایران ارسال می‌نمائیم چرا که آنها سلاح های منحصر دفاعی هستند. تماس های نظامی میان ایران و روسیه هم در سال ۲۰۰۱ شروع شد که منجر به یک قرارداد چندین میلیارد دلاری در سالهای بعدی گردید. نهایتاً تعدادی از معاملات عملی شد. در سال ۲۰۰۵ مذاکرات برای ساخت اولین ماهواره ایران صورت

گرفته و متعاقباً زمینه پرتاب آن فراهم شد (Kassianova, 2006: p5). در سال ۲۰۰۷ قرارداد نظامی در مورد تحویل سامانه موشکی اس-۳۰۰ میان ایران و روسیه منعقد شد که دمیتری مدودف در سال ۲۰۱۰ طبق قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد تحویل این سامانه به ایران را ممنوع اعلام کرد (wellman, 2010: p10) اما با روی کار آمدن پوتین به عنوان رئیس جمهوری و رویکرد عمل گرایانه او و همچنین ارتباط نزدیکتر وی با جمهوری اسلامی ایران، قول تحویل این سامانه را به ایران داد و در نتیجه، اولین محموله این سامانه در ۲۴ فروردین ماه ۱۳۹۵ (۱۲ ماه آوریل ۲۰۱۶) وارد ایران شد. در این زمینه یکی دیگر از خریدهای جدید ایران از روسیه، کلاشنیکف های روسی است که با توجه به ادامه این همکاری ها می توان شاهد افزایش روابط دفاعی- تسلیحاتی بین ایران و روسیه بود.

۵-۲- حوزه آسیای مرکزی

تأثیر اوراسیاگرایی بر رابطه ایران و روسیه در منطقه آسیای مرکزی هم دارای فراز و فرود بوده است، به این دلیل که دو کشور هم دارای منافع مشترک و هم منافع اختلاف زا بوده اند. در زمینه همکاری بین طرفین می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- مقابله با حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای از جمله ایالات متحده آمریکا، ترکیه و اسرائیل در حوزه های مشترک منافع ایران و جمهوری های آسیای مرکزی؛

- مقابله با گسترش افراط گرایی در منطقه و مقابله با گروههای افراطی (طالبان و گروه تروریستی داعش)؛

- مقابله با تروریسم و گسترش مواد مخدر و فساد در منطقه (نمونه افغانستان) و کشورهای آسیای مرکزی که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فساد اداری در این جمهوری ها گسترش پیدا کرده بود و به تبع آن زمینه ساز گسترش فساد در بخشهای مختلف اداری این جمهوریها شده بود؛

- مقابله با گسترش ناتو به شرق و منطقه آسیای مرکزی و قفقاز؛ (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰: ص ۱۴۱).

- جلوگیری از نفوذ سیاسی، اقتصادی و امنیتی دیگر قدرتهای خارجی؛

- جلوگیری از نقل و انتقال غیرقانونی مواد مخدر و اسلحه.

مواردی که روسیه و جمهوری اسلامی ایران بر سر آن توافق ندارند، روسیه آنها را تضعیف جایگاه خود می‌داند و عامل رقابتی است. در حقیقت، ارتباط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه آسیای مرکزی در این مقوله قرار دارد: از جمله رابطه ایران با ترکمنستان که از جنبه های مختلف اقتصادی از جمله اجرای پروژه‌های زیر بنایی و انتقال فناوری، سرمایه و تجربیات ایران به منظور فراهم نمودن زیرساخت‌های محکم اقتصادی ترکمنستان، محور تلاش‌های ایران بوده است. وزارتخانه‌ها و شرکت‌های ایرانی در طول سال‌های پس از استقلال، پروژه‌های مفیدی مانند احداث کارخانه فیبرنوری و تصفیه خانه مرو، پروژه تولید بنزین در پالایشگاه ترکمن باشی و اجرای سد مشترک دوستی بر رودخانه تجن و پروژه‌های جاده سازی و احداث دو خط لوله گاز را عملی نموده‌اند. در زمینه بازرگانی، اعطای اعتبارات، کاهش معضلات و موانع گمرکی، گشایش یک شعبه بانک ایرانی در عشق‌آباد، برگزاری نمایشگاه‌های اختصاصی تجاری، افتتاح فروشگاه‌های عرضه محصولات و احداث بازارچه‌های مرزی مشترک را می‌توان نام برد. در خصوص ترانزیت و حمل و نقل، پیشرفت‌های نسبتاً خوبی مشاهده می‌شود: احداث خط آهن مشهد - سرخس - تجن. اتصال خط آهن ترکمنستان به شبکه حمل و نقل زمینی ایران در نقطه لطف‌آباد. بازسازی جاده عشق‌آباد - گردان توسط شرکت‌های ایرانی، بازسازی جاده قوچان - باجگیران. ترمینال گاز مایع در بندر قیابلی در ساحل دریای خزر، احداث دومین خط لوله گاز دولت‌آباد - سرخس - خانگیران. و در زمینه فرهنگی، گروه‌های موسیقی، تئاتر و نقاشی ترکمنستان بارها به اجرای نمایش و برگزاری نمایشگاه در ایران پرداخته‌اند. یکی از اقدامات تحسین برانگیز هم‌برگزاری کنفرانس‌های علمی در ترکمنستان با مشارکت مراکز علمی و فرهنگی ترکمنستان بوده است.

ظرفیت‌های موجود برای همکاری در بعد اقتصادی میان ایران و قزاقستان را می‌توان در حوزه‌های ترانزیتی دید؛ تقویت همکاری‌های ترانزیتی از جمله: از طریق ایجاد خط ریلی بین ایران - ترکمنستان - قزاقستان، همکاری‌های تجاری و بازرگانی: ایران به منظور برقراری موازنه تجاری با قزاقستان مایل است در این حوزه شرایطی فراهم گردد که شرکت‌های ایرانی دسترسی آسان‌تری به بازارهای قزاقستان داشته و این کشور نیز شرایط را برای جذب کالاها و صدور خدمات فنی و مهندسی ایران تسهیل نماید. همکاری در زمینه انرژی: عمده همکاری تهران و آستانه در این زمینه شامل سوآپ و انتقال نفت

تولیدی قزاقستان از خاک ایران به سایر خریداران بوده است. بین ایران و ازبکستان، وابستگی های قومی، مذهبی و تجاری، هم مرز بودن دو کشور با افغانستان، حضور ایران در خلیج فارس و حضور ازبکستان در قلب آسیای مرکزی، زمینه های مساعد تبادلات تجاری و اقتصادی بین دو کشور وجود دارد. برای مثال، دولت ازبکستان که درصدد خودکفایی در زمینه نفت و گاز است به خوبی مشتاق است که از توان ایران برای این خودکفایی بهره مند شود. بنابراین، موقعیت روسیه در نظام بین الملل و تلاش این کشور برای حفظ جایگاه خود به عنوان یک قدرت برتر منطقه ای، برای ایران مشهود است. از طرف دیگر، روسیه نیز به اهداف ایران برای کسب موقعیت منطقه ای و بین المللی آگاه است لذا می توان گفت که رقابت بدون توجه به منافع طرف مقابل، تأمین کننده حداکثر منافع هیچیک از دو کشور نیست.

۵-۳- منطقه قفقاز

در این میان، ایران، بعنوان یک بازیگر منطقه ای مهم، با نگرانی بسیار نسبت به پیشروی تهاجمی غرب در حوزه سنتی تاثیرگذاری ایران و روسیه واکنش نشان داد. خصومت ایالات متحده آمریکا و اسرائیل نسبت به ایران، تهران را به سمت توقف یا محدود ساختن نفوذ غربی ها و همچنین همکاری های اسرائیل با آذربایجان و گرجستان سوق داد. ایران از جنگ سال ۲۰۰۸ روسی-گرجی، که به آن بعنوان یک فرصت فوق العاده برای وارونه ساختن جو استراتژیک منطقه از غرب گرایی به سوی نوعی روس گرایی بیشتر، و پس از آن یک جو ایران گرایی می نگریم، استقبال کرد.

در مورد تأثیر اندیشه اوراسیاگرایی بر رابطه ایران و روسیه در منطقه قفقاز شاهد یک سری فراز و فرودهایی هستیم که در حقیقت همان منافع مشترک و منافع مورد اختلاف است. در مورد همکاری بین ایران و روسیه، جمهوری اسلامی ایران روسیه را یک متحد کلیدی برای مقاومت در برابر آمریکا در نظر می گیرد. تهران ترجیح می دهد تحت چتر استراتژیک روسیه بوده و با مسکو در سطوح منطقه ای و جهانی همکاری کند. تهران افزایش تاثیرگذاری روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی را با دلایلی راهبردی، حمایت می کند. در مواجهه با گزینه های نظامی احتمالی ایالات متحده و یا اسرائیل به منظور توقف برنامه هسته ای ایران، تهران امیدوار است با سلطه روسیه بر قفقاز جنوبی و

آسیای مرکزی از استقرار پایگاه‌های نظامی ایالات متحده و ناتو در مجاورت مرزهای ایران جلوگیری کند. جمهوری اسلامی ایران روسیه را یک متحد کلیدی برای مقاومت در برابر آمریکا در نظر می‌گیرد. تهران افزایش تاثیرگذاری روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی را با دلایلی راهبردی حمایت می‌کند. در نهایت، حفظ وضعیت موجود و حمایت از سلطه روسیه در منطقه برای ایران سودمند است. در این مورد، ایران توانایی رسیدن به مهم‌ترین اهداف راهبردی خود شامل؛ محدود کردن و یا کاهش تاثیرگذاری ایالات متحده آمریکا و پیشگیری از تلاش‌های آمریکا برای بازطراحی چشم‌انداز سیاسی منطقه به منظور تامین امنیت سلطه‌واشنگتن را دارد. در این میان از کشورهای قفقاز، آذربایجان دارای بیشترین اشتراکات امنیتی، اقتصادی و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. مهم‌ترین محور همکاری ایران و روسیه در مسأله آذربایجان، مقابله با آمریکا است.

در حقیقت، آذربایجان تحت فشار دوگانه ایران و روسیه است و به ایالات متحده قدرتمند برای تامین امنیت، استقلال ملی، حاکمیت و تمامیت ارضی‌اش نیاز دارد. استقلال غرب‌گرایانه آذربایجان حضور راهبردی آمریکا در حوزه ساحلی خزر را تضمین کرده و طرح‌ریزی عمیق قدرتش را در آسیا تسهیل می‌کند. در این زمینه، آذربایجان بیشترین اهمیت ژئواستراتژیک را برای ایالات متحده دارا می‌باشد. در این چارچوب، ایران از یک سو تلاش کرده که جهت مقابله با سیاستهای ضد ایرانی آذربایجان روابط سیاسی-امنیتی راهبردی با ارمنستان برقرار سازد. از طرف دیگر روسیه و ایران در حوزه‌های مختلف دیگر اقتصادی و انرژی اقدام به ائتلاف مستحکمی با هم کرده‌اند زیرا دو کشور روسیه و ایران منافع و اهداف مشترکی در زمینه مخالفت با حضور و مداخله آمریکا و ناتو در قفقاز دارند. (Khalifa-Zadeh, 2013). کاهش وابستگی امنیتی منطقه به قدرتهای فرامنطقه‌ای، افزایش وابستگی متقابل منطقه‌ای از طریق ارتقاء تعاملات، ارتباطات، اعتمادسازی از راه شفاف‌سازی اهداف و منافع امنیتی از زمینه‌های همکاری ایران و روسیه در منطقه قفقاز است. در این قالب، کشورهای حوزه قفقاز مورد بررسی قرار می‌گیرند:

گرجستان، روسیه منطقه قفقاز و به خصوص گرجستان را به دلیل مرزهای مشترک حیاط خلوت خود می‌داند. حضور ایران را با توجه به پیوندهای فرهنگی و دینی برای روسیه بسیار نگران‌کننده می‌بیند و همواره به آن به عنوان یک رقیب بالقوه می‌نگرد. همچنان که با بروز تنش در روابط گرجستان و روسیه بر سر آبخازیا و اوستیای جنوبی و

جنگ اوت سال ۲۰۰۸ که گرجستان برای تأمین انرژی مورد نیاز خود به جنوب گرایش پیدا کرد و در این مسیر سعی کرد انرژی مورد نیاز خود را به جای روسیه از ایران فراهم آورد. این امر نشان داد که جمهوری اسلامی ایران بازیگر قدرتمندی است که می‌تواند گرجستان را در متنوع سازی منابع انرژی کمک کند. (امیراحمدیان و عسگری، ۱۳۹۱).

اما چالش مشترک در مسأله گرجستان که برای دو کشور دغدغه محسوب می‌شود را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱- حضور آمریکا در گرجستان: آمریکا پس از فروپاشی شوروی تلاش کرد کشورهای اقمار شوروی را زیر نفوذ و سیطره خود قرار دهد و به نوعی بازی بزرگ خود را به مرحله اجرا گذارد تا بتواند ساختار آینده نظام بین الملل را نظام تک قطبی با سلطه قدرت هژمون خود سازد. آسیای مرکزی و قفقاز از جمله مناطقی بود که آمریکا با نفوذ خود، منافع سیاسی و اقتصادی را دنبال می‌کرد گرجستان به دلیل موقعیت راهبردی و ژئوپلیتیکی مورد توجه آمریکا قرار گرفت. همین امر موجب شد که آمریکا به نام‌های مختلفی مانند دسترسی به مسیر انتقال انرژی، منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از نفوذ روسیه و حمایت از هم پیمانان خود، ترکیه و اسرائیل برای رسیدن به اهداف خود در گرجستان دنبال کند (عسگری، ۱۳۸۵)؛

۲- ترکیه: ترکیه یکی دیگر از بازیگران قدرتمند است که رقیبی برای ایران و روسیه در کشورهای قفقاز محسوب می‌شود زیرا با رویکرد اقتصادی بسیار هوشمندانه و حساب شده‌ای وارد بازار کشورهای قفقاز و گرجستان شده و توانسته است حضوری پررنگ در این کشورها ایفا کند که در این مسیر آمریکا و کشورهای اروپایی از ترکیه حمایت می‌کنند. آمریکا و اسرائیل که حضور ایران در این منطقه را خطرناک می‌دانند سعی بر حمایت از ترکیه برای توقف حضور ایران در این کشور دارند.

جمهوری ارمنستان و تلاش برای حل درگیری‌ها در قفقاز از جمله درگیری در قره باغ و تعریف جدید از امنیت در منطقه قفقاز و ایجاد نظم امنیتی جدید برای ثبات و توسعه اقتصادی منطقه: از آنجا که ثبات و امنیت منطقه پیش شرط توسعه این منطقه است، درگیریهای منطقه‌ای توسعه در منطقه قفقاز را با کندی مواجه ساخته است. در این راستا یکی از طرح‌هایی که جمهوری اسلامی ایران در این زمینه از روسیه حمایت کرده است، طرح روسیه ناظر بر امنیت راهبردی قفقاز در سیاست خارجی این کشور و تمایل

نداشتن برای ورود سایر بازیگران در این عرصه می‌باشد. ایران از طرح ۳+۱ یعنی روسیه و سه جمهوری قفقاز جنوبی حمایت می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز اعتقاد دارد که مسایل و مشکلات موجود در منطقه توسط کشورهای منطقه حل و فصل شود و در این راستا، دو کشور مخالف خود را با حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا اعلام کرده اند. (maleki,2007).

۶- تأثیر اوراسیاگرایی بر رابطه ایران و روسیه در حوزه مسائل اقتصادی ۶-۱- همکاری های اتمی

در این مبحث نیز می‌توان شاهد افزایش اوراسیاگرایی و تأثیرات مثبت آن همراه با فراز و فرود بود. طبق برخی تحلیلها، گفته شده است که دولت روسیه با دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای مخالفت می‌کند چون بر این باور است که پیشرفت هسته‌ای ایران به طور قابل توجهی توازن قدرت در منطقه را تغییر می‌دهد و این مورد به نفع مسکو نیست و همان طوری که برخی از کارشناسان دولت روسیه بیان کرده اند، ایران هسته‌ای می‌تواند سیاست خصمانه و مستقل تری را در قفقاز و آسیای میانه دنبال کرده و به عنوان الگویی برای کشورهای شرق آسیا یا حکومت‌های کم ثبات به حساب آید که به فکر توسعه سلاحهای کشتار جمعی خود هستند.

در کنار این، سیاستمداران و کارشناسان روسی بحث می‌کنند که بحث نهفته هسته‌ای بین ایران و غرب قطعاً دارای پیچیدگی‌های مثبت خود است. در ابتدا، حضور اقتصادی غرب در ایران را محدود می‌کند، فرصت‌های زیادی را برای شرکت‌های روسیه برای رخنه کردن در اقتصاد ایران فراهم می‌کند. دوم اینکه، این بحث به عنوان راهی برای دوری ایران از آمریکا دیده می‌شود. سیاستمداران روسی به شدت اعتقاد دارند که مسکو موقعیت اقتصادی و سیاسی خود در ایران را بعد از ایجاد دوباره روابط دیپلماتیک بین تهران و واشنگتن، از دست می‌دهد. همچنین موقعیت روسیه در موضوع هسته‌ای به گونه‌ای است که نمی‌تواند طرفدار ایران یا طرفدار آمریکا تلقی شود. به جای آن، مسکو بین ایالات متحده، اروپا، اسرائیل، از یک طرف و از طرف دیگر جمهوری اسلامی، تعادل برقرار می‌کند بدون اینکه به آن‌ها ملحق شود. روسیه همچنین اصرار داشت که مسئله هسته‌ای می‌تواند به صورت دیپلماتیک حل شود چون خواهان جنگ و بی

ثباتی در نزدیک مرزهای خود نخواهد بود. (The Military Doctrine of the Russian Federation, 2010)

با اینکه رابطه اتمی بین ایران و روسیه از سال ۱۹۹۰ و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیرشوروی بر مبنای پروژه های صلح آمیز بوده و نظریه اوراسیاگرایی در این حوزه دارای تأثیرات مثبت بوده است اما در زمینه هایی بین سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ منفی بوده است. دلیل آن را می توان در این موضوع دید که تهران نه تنها به دنبال خرید اسلحه از روسیه بوده بلکه به دنبال به دست آوردن مجوز برای تولید برخی از این سیستم ها در ایران هم بوده است. با این وجود، مسکو معتقد بود که کمک کردن به ایران برای توسعه ی توانایی های نظامی - صنعتی، مورد علاقه روسیه نیست، بنابراین تمامی تقاضاهای مجوز را در این سالها رد کرده است. اما بعد از افشای برنامه هسته ای تهران، تصمیم دولت روسیه در این خصوص محکم تر شد. برخی از کارشناسان ایرانی اعتقاد دارند که مسکو در رابطه با ساخت نیروگاه بوشهر نیز بی میل شده بود. در ابتدا، بنا بود روسیه پروژه را تا ماه سپتامبر ۲۰۰۳ کامل کند اما این پروژه تقریباً تا یک دهه بعد از آن نیز ادامه یافت. دولت روسیه از هیچ تلاشی برای دور نگه داشتن پروژه بوشهر از تأثیر منفی تحریم های بین المللی و یک جانبه علیه ایران دریغ نکرد. بعلاوه، در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹، روسیه تلاش های خود را برای کامل کردن پروژه افزایش داد و این رویکرد، نوعی اقدامی تلافی جویانه نسبت به حمایت اسرائیل و آمریکا از تفلیس در جنگ بین روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸، و همچنین تلاش های ناتو برای عضویت در آوردن گرجستان بود (Terekhov, 2011).

تحریمهای بین المللی همچنین موانع مشخصی را برای توسعه گره های اقتصادی موجب شد، چنانکه در این زمان، سهم ایران در تجارت کلی روسیه از سال ۲۰۱۰ کاهش یافت چون مسکو مجبور شد که برخی از الزامات قطعنامه های سازمان ملل متحد را رعایت کرده و بنابراین، برخی از صادرات به ایران را محدود کند. به عنوان مثال، هنگامی که مسکو تصمیم گرفت فروش اس-۳۰۰ به سیستم دفاع هوایی ایران در سال ۲۰۱۰ را تعلیق کند، میزان صادرات اسلحه روسیه به ایران تدریجاً شروع به کاهش کرد. بعلاوه، مقامات روسیه اقدامات کنترل صادرات اضافی نیز به کار گرفتند که فروش تولیدات دارای کاربری دوگانه به ایران را دشوارتر می نمود. هم ماهیت تحریم های ایالت متحده و هم این واقعیت که تحریم های بین المللی علیه ایران توسط بسیاری از کشورهای دیگر نیز حمایت

می‌شد، به رابطه اقتصادی روسیه-ایران لطمه وارد کرد. (Terekhov, 2011). بنابراین، ما شاهد تأثیرگذاری مثبت اوراسیاگرایی طی سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ و کاهش آن در سال ۲۰۱۰ به دلیل تحریمهای اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران هستیم که طبق بررسی‌ها بعد از سال ۲۰۱۵ و خصوصاً کاهش تحریمها بعد از توافقات اخیر بین ایران و گروه ۵+۱ در این حوزه مرادوات افزایش یافته‌می‌توان گفت که مرادوات بین تهران و مسکو در مجموع، روند مثبتی را طی کرده است.

۶-۲- تجارت و انرژی

در ابتدای این مبحث، ابتدا دلایل کاهش روابط ایران و روسیه در زمینه اقتصادی بررسی می‌شود و سپس به بررسی این مسأله پرداخته خواهد شد که آیا اوراسیاگرایی توانسته است موجب نزدیکی رابطه ایران و روسیه گردد:

دلایل کاهش این روابط؛ طی سالها، تحریم‌های بین‌المللی قطعاً منجر به کاهش روابط اقتصادی روسیه و ایران شده است اما این تحریمها تنها موانع نبوده است. مقامات روسیه و ایران و تاجران هر دو کشور معتقدند که مسکو و تهران هیچ عاملی به غیر از خودشان را نباید به خاطر کاهش پیوندهای اقتصادی سرزنش کنند. روندهای موجود بیانگر این است که تحریمهای بین‌المللی تنها مشکلات ناشی از عدم فهم متقابل و سوء تفاهم بین دو دولت را تشدید کرد.

حتی قبل از اعمال تحریم‌های سخت در سال ۲۰۱۰، ایران تقریباً به عنوان شریک تجاری و سهامدار بازار روسیه جذاب باقی‌نماند. گلایه‌های خاصی در مورد سیستم بانکداری اسلامی شنیده می‌شود که کاملاً برای تعاملات اقتصادی بین‌المللی نامناسب هستند و جذاب‌ترین بخش اقتصاد ایرانی‌ها (مانند بانکداری و انرژی) یا برای خارجی‌ها بسته و یا به شدت محدود شده است. (Kozhanov, 2012: p 27)

اگر بخواهیم به تأثیر اوراسیاگرایی بر رابطه ایران و روسیه در این قسمت بپردازیم باید نگاهی به صادرات و واردات روسیه و ایران از یکدیگر داشته باشیم. در زمینه واردات روسیه از ایران می‌توان گفت که این افزایش از سال ۲۰۰۰، ۴۴ میلیون دلار به ۹۲۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۳ بوده است. این روند رشد طی سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ ادامه داشته که به حدود ۳۴۱ میلیون دلار رسیده و بعد از رفع تحریمها طی سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ حدود

۹۱ درصد رشد را شامل شده است. این مواد هم عمدتاً در برگیرنده محصولات کشاورزی، مواد ساختمانی، قطعات خودرو، فرش و هیدروکربن‌ها بوده است.

اما در مورد صادرات روسیه به ایران طبق آمار در سال ۲۰۰۰، ۷۳۹ میلیون دلار بوده که تا سال ۲۰۰۵ که به ۲,۰۸ میلیارد دلار رسیده، روند ثابتی داشته است. مجدداً در سال ۲۰۰۶ شاهد این کاهش هستیم و در سال ۲۰۰۷ روند صعودی را در پی داشته که بیشترین مقدار سال ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ بوده که به ۳ میلیارد دلار بالغ شده و مجدداً روند نزولی را در سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ طی کرده و بعد از لغو تحریم‌ها هم شاهد افزایش ۷۰ درصدی تجارت هستیم که این مقدار در سال ۲۰۱۶ به ۶۹۷ میلیون دلار رسیده است. محصولات صادراتی هم شامل گندم، جو، چوب، نوشابه، دانه‌های روغنی، کاغذ و کربن الکتریکی و سایر اقلام بوده است. اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین واردات ایران از دیگر کشورهای شرقی از جمله چین داشته باشیم، این نکته قابل رؤیت است که این ارقام طی سالهای متوالی از سال ۲۰۰۰ افزایش یافته و در سال ۲۰۱۳ به ۱۳ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۴ به ۲۴ میلیارد دلار رسیده که این نشان‌دهنده افزایش واردات ایران از دیگر کشورها بوده و این امر مختص روسیه نمی‌باشد. (<http://atlas.media,2000-2014>)

آمار تجارت ایران و روسیه بر اساس اطلاعات بدست آمده از اطلس جدول (۱-۴) (سالهای ۲۰۰۰-۲۰۱۴)

صادرات روسیه به ایران: به میلیون در سال ۲۰۰۰ و میلیارد دلار در سالهای بعد از ۲۰۰۰		واردات روسیه از ایران: به میلیون دلار	
۷۳۹	۲۰۰۰	۴۴,۲	۲۰۰۰
۱,۰۶	۲۰۰۱	۵۹,۲	۲۰۰۱
۱,۰۸	۲۰۰۲	۷۹,۹	۲۰۰۲
۱,۶	۲۰۰۳	۹۲۰	۲۰۰۳
۱,۹۶	۲۰۰۴	۱۶۴	۲۰۰۴
۲,۰۸	۲۰۰۵	۱۸۷	۲۰۰۵
۱,۵۶	۲۰۰۶	۲۸۵	۲۰۰۶
۲,۹۱	۲۰۰۷	۳۴۰	۲۰۰۷
۳,۱۳	۲۰۰۸	۳۸۴	۲۰۰۸

۲,۷۶	۲۰۰۹	۲۰۶	۲۰۰۹
۲,۷۹	۲۰۱۰	۳۰۴	۲۰۱۰
۳,۲۶	۲۰۱۱	۳۷۳	۲۰۱۱
۱,۹	۲۰۱۲	۴۱۰	۲۰۱۲
۱,۱۷	۲۰۱۳	۴۱۷	۲۰۱۳
۱,۳۳	۲۰۱۴	۳۴۱	۲۰۱۴

[http://atlas.media.mit.edu/en/visualize/tree_map/hs92/import/rus/all/showSource:](http://atlas.media.mit.edu/en/visualize/tree_map/hs92/import/rus/all/showSource)

در عین حال که در مورد تأثیر مثبت اوراسیاگرایی در این قسمت شاهد نوساناتی می‌باشیم اما با رفع تحریمهای ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، اهمیت یافتن بیشتر نظریه اوراسیاگرایی و افزایش رابطه اقتصادی و اقلام صادراتی و وارداتی بین ایران و روسیه بوضوح قابل رؤیت است.

نتیجه

با توجه به آنچه در این مبحث مورد بررسی قرارگرفت، می‌توان نتیجه گرفت که اوراسیاگرایی در حوزه مسایل سیاسی، از جمله بحث حوزه خزر تأثیرات مثبت مورد انتظار چندانی نداشته و نتیجه مثبت آن در همان ارتباط مشترک ایران و روسیه در حوزه حمل و نقل و ارتباطات بوده که این امر را تسهیل کرده است.

همچنین بیشتری به چالشهای موجود در این رابطه برده شد که معطوف به موضوعاتی چون؛ تقسیم منابع و دریای خزر و مسائل زیست محیطی و سهم ایران از منطقه دریایی می‌باشد.

در مورد حل بحران سوریه، تأثیرگرایی اوراسیایی ایران از طریق روابط و همکاری با روسیه مثبت ارزیابی می‌شود اگرچه در سوریه نیز از جمله در خصوص تصمیم روسیه در مورد فدرال کردن این کشور و دیدگاه منفی ایران به این نظر، اختلافاتی وجود دارد. در عین حال، در مورد حضور در سوریه و حل این بحران و باقی ماندن اسد در قدرت، تهران و مسکو نظرات مشترکی دارند. افزایش مبادلات اقتصادی و نظامی بین ایران و روسیه را هم می‌توان بعنوان نشانه‌ای از این نزدیکی دیدگاه تفسیر نمود.

در زمینه مسایل نظامی- امنیتی، همکاری های دفاعی، مسائل قفقاز و آسیای

مرکزی تعیین کننده است. در زمینه همکاری های دفاعی بین روسیه و جمهوری اسلامی ایران شاهد اثرات مثبت اوراسیاگرایی هستیم چون بخاطر وجود تحریمهای ایالات متحده آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل متحد در راستای کاهش قراردادهای دفاعی و فروش و آموزش تسلیحات نظامی و موشکی، ایران به عنوان سومین خریدار تجهیزات نظامی از روسیه تبدیل شده است. در حوزه آسیای مرکزی نکات مثبت را می توان در اشتراک ایران و روسیه در مقابله با قدرتهای منطقه ای و فرا منطقه ای، مبارزه با گسترش تروریسم (القاعده و داعش) و قاچاق مواد مخدر مشاهده کرد. بیشتر اختلاف تهران و مسکو هم مربوط به حضور ایران در جمهوریهای آسیای مرکزی به دلیل ارتباطات تجاری و حمل و نقل و قرابت فرهنگی ایران با این کشورها است، بنابراین می توان گفت که موقعیت روسیه در نظام بین الملل و تلاش این کشور برای حفظ جایگاه خود به عنوان یک قدرت برتر منطقه ای، برای ایران مشهود است. از طرف دیگر، روسیه نیز به اهداف ایران برای کسب موقعیت منطقه ای آگاه است. از این جهت، این امر یک نقطه چالش محسوب می شود. در زمینه مسائل قفقاز در مورد تأثیر اندیشه اوراسیاگرایی بر رابطه ایران و روسیه یک سری فراز و فرودهایی را شاهد هستیم که در حقیقت همان منافع مشترک و منافع مورد اختلاف است. در مورد همکاری بین ایران و روسیه هم می توان به این نتیجه رسید که جمهوری اسلامی ایران روسیه را یک متحد کلیدی برای مقاومت در برابر آمریکا در نظر می گیرد. تهران ترجیح می دهد تحت چتر استراتژیک روسیه بوده و با مسکو در سطوح منطقه ای و جهانی همکاری کند تا مانعی برای حضور آمریکا و اسرائیل در این منطقه ایجادکنند. آذربایجان تحت فشار دوگانه ایران و روسیه است و به ایالات متحده قدرتمند برای تامین امنیت، استقلال ملی، حاکمیت و تمامیت ارضی اش نیاز دارد از طرفی ایران و روسیه خواهان عدم حضور آمریکا در این منطقه هستند. روسیه در منطقه گرجستان حضور ایران را با توجه به پیوندهای فرهنگی و دینی بین ایران و این کشور، برای خود بسیار نگران کننده دانسته و همواره به جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک رقیب بالقوه می نگرد. اما همکاری مشترک ایران و روسیه در گرجستان در راستای مخالفت با حضور آمریکا و ترکیه است.

در مورد جمهوری ارمنستان باید اذعان داشت که جمهوری اسلامی ایران در این زمینه از روسیه حمایت کرده است. طرح روسیه ناظر بر امنیت راهبردی قفقاز در سیاست

خارجی این کشور و تمایل نداشتن برای ورود سایر بازیگران در این عرصه است. موضوع مهم دیگر مورد بررسی در این مبحث، همکاریهای دوجانبه ایران و روسیه در زمینه های اقتصادی، تجارت و مسائل اتمی است. در روابط اتمی از آنجا که این رابطه و همکاری بر مبنای پروژه های صلح آمیز می باشد، می توان رابطه ایران و روسیه را مثبت ارزیابی کرد البته در مقاطعی که معطوف به سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ است به دلیل تحریمهای اعمال شده، همکاریهای دو کشور کاهش یافته است. در حوزه تجارت و انرژی که یک بعد همکاری تهران و مسکو تلقی می شود، چندان ابعاد مثبتی را نمی توان شاهد بود که دلایل متعددی از جمله تحریمهای بین المللی، سیستم نامناسب بانکداری و نحوه عملکرد تاجران دو کشور باعث ایجاد این شکاف در سطح روابط دوجانبه ایران و روسیه شده است.*

کتابنامه

منابع فارسی:

- امیراحمدیان، بهرام و عسکری، حسن. (۱۳۹۱). فهم روابط ایران و گرجستان از زمان اعلام استقلال بر اساس نظریه های روابط بین الملل، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۲۰-۱.
- سنایی، مهدی. (۱۳۸۷). «روابط ایران و روسیه: مشکلات و دورنمای پیش رو»، در *کتاب روابط ایران و روسیه*، موسسه فرهنگی مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، ایراس، ص ۱۷.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۸۴). ساخت ژئوپلیتیکی سیستم بین الملل نوین و استراتژی نظامی-امنیتی ایالات متحده، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، شماره ۲.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۱). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل*، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- مامدوا، نینا. (۱۳۸۷). «مناسبات اقتصادی ایران و روسیه»، در *کتاب روابط ایران و روسیه*، موسسه فرهنگی مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، ایراس، ص ۱۰۳.
- عطایی، فرهاد و شیبانی، اعظم. (۱۳۹۰). «زمینه های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۸، صص ۱۵۱-۱۳۱.

منابع انگلیسی:

- Chernysh, K. (2010). Russian Foreign Policy Discourse during and after the Georgian War: *representations of NATO*.
- Khalifa-zadeh, M. (2012). Israel and Azerbaijan: to counteract Iran. *Central Asia and*

- the Caucasus*, 13(3).
- Loisel, S. (2005). Discourse Analysis and Foreign Policy Analysis: Introducing Speech Act Theory in European Foreign and Security Policy. *In ECPR Joint Sessions of Workshops–Grenada. Paris.*
- Larsen, H. (2005). *Foreign policy and discourse analysis: France, Britain and Europe* (Vol. 10). Routledge.
- Lucas, S (2015),”The effects of Russian intervention in the Syria crisis”,*Birmingham, UK:GSDRC*,University of birmingham.
- Kassianova, A. (2006). Russian-Iranian Defence Cooperation vs. US Sanctions. *Russian Weapon Sales to Iran: Why they are Unlikely to Stop*, 1-2.
- Soltaninejad, M. (2015). Iran and the United States: A Conflict Resolution Perspective. *Asian Politics & Policy*, 7(3), 455-475.
- Maleki,A (2007),”iran’s new Asian identity”, Novikova, Amrots (ed.); *Regional Security Issues: 2007*; Yerevan: Amrost Group.
- Wellman, A (2010), “Russia-Iran Foreign Relations”, *American Enterprise Institute*, Iran Tracker. 2 August 2010. <http://www.irantracker.org/foreign-relations/russia-iran-foreign-relations>.